

نگاهی به خاستگاه احتمالی روایات کوش پیل دندان

رضا غفوری^۱

چکیده

کوش نامه منظومه‌ای است پهلوانی و موضوع آن سرگذشت ضد قهرمانی به نام کوش پیل دندان است که بیشتر سال‌های عمر خود را در نبرد با فرزندان جمشید و پهلوانان ایرانی به سر می‌برد. به جز کوش نامه در دیگر متون پهلوانی ایران نیز درباره پیل دندان روایت‌های متعددی آمده که اغلب با گزارش آن منظومه متفاوت است؛ به‌ویژه آن‌که در این دسته منابع، داستان‌های متعددی درباره پایان زندگی او و چگونگی کشته شدنش دیده می‌شود. یکی از نکته‌های ابهام‌آمیز درباره کوش نامه و به‌ویژه قهرمان آن، خاستگاه روایات آن است که اغلب میان پژوهشگران اختلاف نظرهایی دیده می‌شود و پژوهشگران فرضیه‌های مانند ارتباط داستان‌های کوش با شاهان کوشان و یا برعکس سامی نژاد بودن آن آورده‌اند. در این مقاله نخست به بررسی داستان‌های کوش پیل دندان در ادب پهلوانی ایران و نقد برخی نظریه‌های درباره آن می‌پردازیم سپس درباره منشأ احتمالی روایات این ضد قهرمان با ذکر شواهدی سخن می‌گوییم.

واژه‌های کلیدی: کوش پیل دندان، کوش نامه، شاه نامه، کوشان

۱. مقدمه

کوش نامه یکی از منظومه‌های پهلوانی است که چندی پس از شاهنامه و به تقلید از آن سروده شده است. در این منظومه صریحاً به گوینده آن اشاره‌ای نمی‌شود، اما چون شاعر به اثر دیگر خود بهمن نامه اشاره می‌کند (ابیات ۱۰۸ و ۱۰۹) و برپایه

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حضرت نرجس رفسنجان، کرمان، ایران،

rezaghafouri136@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۹

مجمعل‌التواریخ، گوینده بهمن‌نامه ایران‌شان/شاه بن ابی‌الخیر معرفی شده است (ر.ک).
 مجمعل‌التواریخ، ۱۳۸۳: ۲۹) پس می‌توان گفت که کوش‌نامه نیز سروده همان شاعر است.
 کوش‌نامه در حدود سال‌های (۵۰۱ تا ۵۰۴ ق) سروده شده و به ابوشجاع محمد بن
 ملک‌شاه سلجوقی (حک: ۴۹۸-۵۱۱ ق) تقدیم شده است (ر.ک: ایران‌شان ابی‌الخیر،
 ۱۳۷۷: ۴۵). در دو منظومه بهمن‌نامه و کوش‌نامه، شاعر اشاره‌ای به زندگی خود
 نمی‌کند اما می‌توان حدس زد که او مدتی در غرب ایران زندگی می‌کرده و یا شاید هم
 اهل همان نواحی بوده است (ر.ک: نحوی، ۱۳۹۳: ۴۴۳). دو منظومه ایران‌شان دارای این
 ویژگی مشترک هستند که شخصیت‌های اصلی هر دو منظومه، دشمن سرسخت
 قهرمانان شاه‌نامه‌اند (ر.ک: de Blois, 1998: 475). کوش‌نامه یک ویژگی منحصر
 به‌فرد هم نسبت به دیگر منظومه‌های پهلوانی دارد و آن این است که برخلاف دیگر
 منظومه‌ها که پهلوانان خاندان رستم، قهرمان اصلی داستان هستند در این منظومه، افراد
 این خاندان نقش پررنگی در جریان حوادث ندارند. اخبار کوش پیل‌دندان در اوستا و
 متن‌های پهلوی نیامده و در متون تاریخی ادوار نخستین اسلامی نیز، چند اشاره
 مختصر به او شده است. تنها در مجمعل‌التواریخ روایات بیشتری درباره این ضد‌قهرمان
 آمده که آن هم تفاوت چندانی با کوش‌نامه ندارد. با این حال به یقین نمی‌توان گفت که
 روایات این کتاب، برگرفته از متن منظوم کوش‌نامه است یا روایت منثور آن که امروز به
 دست ما نرسیده است. پس از مجمعل‌التواریخ، در متون تاریخی متأخرتر، روایاتی درباره
 پیل‌دندان است که بعضی از آن‌ها مانند آنچه در تاریخ‌گزیده آمده است اندکی تازگی
 دارد اما بعضی دیگر، برگرفته از مجمعل‌التواریخ است و نکته تازهای ندارد (ر.ک:
 میرخواند، ۱۳۳۸: ۵۳۹؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۸۲).

۲. پیشینه پژوهش

درباره کوش‌نامه تاکنون پژوهش‌های بسیاری شده است. جلال‌متینی مصحح
 منظومه، همزمان با تصحیح متن، چندین مقاله درباره روایات کوش‌نامه و قهرمان آن
 نوشت (ر.ک: ایران‌شان ابن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۸۷۳-۸۷۴). سجاد آیدنلو هم نخست در
 مقاله «از میراث ادب حماسی ایران» (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۲۲۶) به معرفی
 کوش‌نامه و برخی زوایای آن پرداخت سپس در برگزیده متون پهلوانی، پس از معرفی
 کوش‌نامه، برای نخستین بار به روایاتی دیگر از کوش پیل‌دندان اشاره کرد که تا آن

زمان به آن توجه نشده بود. (ر.ک. همو، ۱۳۸۸: ۴۴) زهرا دشتبان در مقاله‌ای پس از بررسی و معرفی شماری از قهرمانان کوش‌نامه، به کاکوی قهرمان شاهنامه اشاره می‌کند بدون آن‌که درباره همسانی احتمالی او با کوش سخن بگوید (ر.ک: دشتبان، ۱۳۸۹: ۱۰۰). اکبر نحوی در مقاله «کاکوی یا کوش پیل‌دندان» به بررسی و تطبیق این دو ضد قهرمان پرداخته (ر.ک: نحوی، ۱۳۹۲: ۵۱۴-۵۲۱) سپس در مدخل کوش‌نامه، مندرج در جلد پنجم دانش‌نامه زبان و ادبیات فارسی این منظومه را معرفی کرده است (ر.ک: همو، ۱۳۹۳: ۴۴۲-۴۴۵). چندی پیش فاطمه صادقی و علی اصغر بشیری در مقاله‌ای به بررسی داستان کوش پیل‌دندان در طومارهای نقالی پرداخته‌اند (ر.ک: صادقی - بشیری، ۱۳۹۷: ۷۰-۸۷). یکی از تازه‌ترین پژوهش‌ها درباره کوش‌نامه، مقاله محمود امیدسالار است که روایت منظوم کشته شدن کوش بن کوش از برزنامه جدید را معرفی و تصحیح کرده است (ر.ک: امیدسالار، ۱۳۹۸: ۵۹-۸۱). این پژوهشگر پیش از آن نیز درباره درستی ضبط بعضی ابیات کوش‌نامه پیشنهادهایی داده بود (ر.ک: همو، ۱۳۸۴: ۱۹-۶۹). ساقی‌گازرانی نیز اخیراً در مقاله‌ای به بررسی ارتباط کوشانیان و ساسانیان و نقش حکومت ایران در شکل‌گیری چهره کوش پیل‌دندان پرداخته است (ر.ک: 2019, 901Gazerani-859). نگارنده در این مقاله برای نخستین بار، به بررسی و نقد برخی روایات درباره کوش پیل‌دندان در مجموعه ادب پهلوانی ایران می‌پردازد و سپس درباره خاستگاه احتمالی شکل‌پذیری چهره کوش پیل‌دندان با تفصیل بیشتری بحث می‌کند.

۳. اخبار پیل‌دندان در منظومه‌های پهلوانی

به استثنای کوش‌نامه که گزارش مفصل سرگذشت کوش پیل‌دندان است در منظومه‌های کهن و متقدم، اخبار چندانی از او به دست ما نرسیده است. در بهمن‌نامه از کشته شدن پیل‌دندان به دست رستم سخن به میان آمده است:

همان پیل‌دندان وارونه خوی	به آوردگاه آن شه جنگجوی
چو آمد به جنگم همی کینه‌جوی	به آوردگاه ای شه خوبروی
من آن تیغ کینه بر او برزدم	جهانی ز بی‌داد او بستدم
که خوانی تو او را همی شاه کوش	سر مرزداران پولادپوش

(ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۴۳۳-۴۳۴)

نکته در خور توجه این است که برپایه *بهمن‌نامه* موجود، هنگامی که بهمن به دخمه پهلوانان می‌رسد و لوحه هریک از آن‌ها را می‌خواند رستم نخست از نبردهای گذشته خود یاد می‌کند پس از آن به گلایه از بهمن و نصیحت کردن او می‌پردازد (ابیات ۷۳۳۳ تا ۷۳۷۹) سپس از نبرد خود با کوش پیل‌دندان سخن می‌گوید و پس از آن دوباره به اندرز دادن بهمن می‌پردازد. این شیوه روایت کردن نادرست به نظر می‌رسد و از شاعر توانایی مانند ایران‌شان بعید است که این گونه سخن‌سرایی کند بلکه منطق روایت چنین حکم می‌کند که نخست رستم از افتخارهای گذشته خود یاد کند سپس به نصیحت بهمن بپردازد. نگارنده بر آن است که این ابیات که در اصالت آن هم تردید است، برگرفته از روایات عامیانه و در اصل درباره سرگذشت سام بود که چندی پس از سرایش *بهمن‌نامه*، به دست کاتبی سروده شد و در گزارش سرگذشت این قهرمان افزوده شد، اما با گذشت زمان، جای آن تغییر یافت و در بخش شرح حال رستم کتابت شد. این احتمال هست که روایات عامیانه‌ای که بعدها در باره کشته شدن کوش به دست رستم ساخته شد و به آن خواهیم پرداخت، متأثر از همین ابیات الحاقی باشد که به نادرست درباره رستم آمده است.

گذشته از *بهمن‌نامه*، در دیگر متون پهلوانی پیشینه‌دار مانند *گرشاسپ‌نامه*، *شیرنگ‌نامه* و *دو فرامرزن‌نامه* صریحاً از قهرمان مورد بحث یاد نمی‌شود و اگر هم در این دسته متون، گاهی به پیلگوشان اشاره می‌شود نباید به اشتباه هر جانور پیلگوشی را همان کوش پیل‌دندان پیل‌گوش بدانیم زیرا رسیدن قهرمان به سرزمین پیل‌گوشان و نبرد با آن‌ها و گاهی یاری خواستن از این موجودات، از بن‌مایه‌های اساطیری-داستانی شماری از متون پهلوانی و یاد استان‌های عامیانه ایران است که بارها شاهد آن هستیم (ر.ک: اسدی‌طوسی، ۱۳۵۴: ۱۷۴-۱۷۵؛ *فرامرزن‌نامه* بزرگ، ۱۳۹۴: ۱۸۱؛ *اسکندرنامه*، ۱۳۸۷: ۵۷۰-۵۷۱؛ حاتم‌نامه، ۱۳۸۶: ۲/ ۳۶۵-۳۸۱؛ *قصه امیرالمومنین حمزه*، ۱۳۶۲: ۲۸۰-۲۸۲)

از منظومه‌های یاد شده که بگذریم در شماری منظومه‌های پهلوانی قرن دهم به بعد، صریحاً از کوش پیل‌دندان یاد می‌شود که مفصل‌ترین روایات آن، در *برزونامه* جدید آمده است. بر اساس این منظومه، در دوره کی‌خسرو، کوش بن کوش وارد داستان می‌شود و پس از رویارویی با شماری از پهلوانان ایران، سرانجام به دست رستم

یک دست از بین می‌رود (ر.ک: عطایی، بی تا: ۹۰، ۹۷ ر - ۱۰۳ پ) چندی پس از آن، فرزند کوش به نام پیل دندان کوش هم به انتقام خون پدر، به میدان می‌آید که او نیز به دست کوهکش (فرامرز) کشته می‌شود (ر.ک: همان: ۱۸۳ پ - ۱۸۴ پ). بنا بر کوش‌نامه، کوش برادر ضحاک، صاحب فرزندى شد که بعدها به کوش پیل دندان شهرت یافت. اگرچه در کوش‌نامه اسم آن کودک کوش و پیل دندان صفت او است اما در روایت برزنامه جدید، این اسم و صفت تبدیل به دو چهره مستقل شده است و ما در این روایت شاهد دو قهرمان هستیم: یکی کوش بن کوش و دیگری پسرش پیل دندان کوش. این جدایی القاب و اسامی قهرمانان و تبدیل شدن آنها به کسان دیگر، در ایران پیشینه‌ای اساطیری دارد و بهترین نمونه آن، گرشاسپ سام نریمان است که با گذشت زمان، لقب و نام خاندانش تبدیل به دو پهلوان دیگر شده است (ر.ک: سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۵۶).

بنابر زرین‌قبانامه، فرامرز پس از درماندگی از نبرد با زرین‌قبا، به نبردهای گذشته خود اشاره می‌کند که هیچ‌یک به سختی نبرد اخیر او نبود از جمله نبرد با کوش بن کوش:

... همان گوش بن گوش، فرهنگ گول چو شعبان کزو کوه گشتی ملول...
نکردند یک دم به پیشم درنگ در آمد سر و جان‌شان زیر ننگ

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۲۵۱ - ۲۵۲)

اگر منظور فرامرز از گوش بن گوش، پدر پیل دندان است پس اشاره به نبردی از نبردهای فرامرز شده که در منابع موجود، نشانی از آن نیست، اما اگر منظور او همان پیل دندان معروف است پس فرامرز در این جا به نبرد خود در میدان هفت‌لشکر اشاره می‌کند که بدان اشاره کردیم.

در روایت سام‌نامه پادشاه سرزمین نیمه‌تنان، کوش نام دارد که طی حادثی که روی می‌دهد سرانجام با گرز سام از پای در می‌آید (ر.ک. سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۳۲۰ - ۳۴۰). اگرچه این داستان با جزییات روایات کوش پیل دندان تفاوت چشم‌گیری دارد، اما احتمالاً متأثر از روایت نبرد سام با پیل دندان است که در برخی متون به آن اشاره شده است و بدان خواهیم پرداخت.

آنچه آوردیم اشارات مستقیم منظومه‌های پهلوانی به پیل‌دندان بود ولی شماری پژوهشگران، به موارد دیگری نیز اشاره کرده‌اند که از نظر آن‌ها تلویحاً اشاره به کوش دارد. بعضی محققان بنا بر ابیات زیر، معتقدند که داستان کوش در *شاهنامه* مسعودی (تالیف پیش از ۳۵۵ هجری) هم آمده بود (ر.ک: امیدسالار، ۱۳۹۸: ۵۹؛ پاورقی ۸۶۲، ۷، ۲۰۱۹) (Gazerani: 2019, 7)

چو خواهی که رزم سیاهان تمام بدانی، تو را ره نمایم به نام
 ز مسعودی این داستان بازجوی که او رنج دیده‌است از این گفت‌وگوی

(ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۵۳۶)

با این حال درباره حضور پیل‌دندان در *شاهنامه* مسعودی، نباید قاطعانه سخن گفت زیرا در این ابیات سخن از رزم فریدون با سیاهان مغرب است و چه‌بسا شاه ایران، فتنه‌آن‌ها را بدون حضور کوش و با کمک پهلوانان دیگر سرکوب کرده است.

در *شاهنامه* فردوسی هم صریحاً به نام کوش اشاره نمی‌شود؛ اما عده‌ای پژوهشگران برآند که ترکیب پیل‌دندان در بیت زیر تلویحاً اشاره به آن قهرمان دارد (ر.ک. خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۲/۵۹؛ امیدسالار، ۱۳۹۸: ۵۹):

بدو گفت هومان که سندان نی‌ام به رزم اندرون پیل‌دندان نی‌ام

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳/۱۹۹)

در برخی دستنویس‌های *شاهنامه* بیت زیر هم آمده است:

کمند افگن و زورمندان بدد به رزم اندرون پیل‌دندان بدند

(همان: ۲۵۵/۳، پاورقی ۲۱)

همچنین در بیت زیر از داستان بیر بیان در *فرامرنامه* چاپ سنگی:

خردپرور هوشمندان تویی هنرور تویی پیل‌دندان تویی

(فرامرنامه، ۱۳۲۴: ۱۳)

با این حال این فرضیه هم در خور تأمل بیشتر است و شاید ترکیب پیل‌دندان در ابیات بالا، کنایه‌ای از «نیرومندی و پر قدرتی» است آن‌چنان‌که در برخی فرهنگ‌ها و گزارش‌های *شاهنامه* آمده است (ر.ک. کزازی، ۱۳۹۰: ۴/۶۱۷؛ طاووسی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۸۳).

اکبر نحوی، پهلوانی به نام کاکوی را که دو بار در شاهنامه از او یاد می‌شود همان کوش پیل‌دندان می‌داند. توضیح آن‌که در داستان نبرد منوچهر با سلم و تور، از پهلوانی به نام کاکوی، از نسل ضحاک نام برده می‌شود که به یاری سلم می‌آید اما در نبرد با منوچهر کشته می‌شود (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۴۸ - ۱۵۰). چندی بعد هم در داستان منوچهر، از پهلوانی کاکوی نام و ضحاک نژاد یاد می‌شود که به دست سام از بین می‌رود (ر.ک: همان: ۱ / ۲۲۴ - ۲۲۵). نحوی در این باره می‌نویسد: «داستان کین‌خواهی منوچهر بنا بر گزارش کوش‌نامه، با روایت شاهنامه یکسان است... و شکی باقی نمی‌ماند که در این کتاب با یک روایت روبه‌رو هستیم که یک بار از طریق شاهنامه ابومنصوری، با کمی حک و اصلاح و کاستن از جزئیات آن، در اختیار فردوسی قرار گرفته ولی متن گسترده و دستکاری شده آن، در دسترس پردازنده متن منثور کوش‌نامه قرار داشته است لذا می‌توان گفت که کاکوی همان کوش پیل‌دندان است که سرگذشت او به تفصیل در کوش‌نامه مذکور است» (نحوی، ۱۳۹۲: ۵۱۹). سپس این پژوهشگر حدس می‌زند که داستان متواری شدن کوش از منوچهر که در کوش‌نامه آمده نسبت به روایت کشته شدن او به دست منوچهر، اصالت بیشتری دارد^۳ و فرجام کوش چنین است که «بعدها با سگساران هم‌دست شده و به نبرد سام آمده و در این جنگ به دست سگساران کشته شده است» (همان: ۵۲۰). نحوی برای صحت حدس خود، به روایت نبرد سام با کوش در یکی از طومارهای نقالی استناد جسته است.

تاویل این پژوهشگر از کاکوی، دلنشین و در خور توجه است، اما در کوش‌نامه شاهد آنیم که عمر پیل‌دندان تا دوره کی‌کاووس نیز رسید و حتی او را ترغیب به گشودن مازندران کرد حال آن‌که اگر کوش به دست سام کشته شده بود دیگر ذکر او در دوره کی‌کاووس نادرست بود، زیرا عمر سام خیلی پیش‌تر از دوره پادشاهی کاووس به پایان رسیده بود. بخش‌های پایانی کوش‌نامه هم حاکی از آن است که سرانجام پیل‌دندان دانش‌اندوز، خردمند و دادگر شد پس احتمال دارد که به مرگ طبیعی هم از دنیا رفته باشد. بنابراین به شرط اثبات فرضیه برابری چهره کوش با کاکوی شاهنامه، برپایه گفته نحوی، دست کم دو روایت متفاوت از سرگذشت پیل‌دندان بوده که یکی از آن‌ها به فردوسی رسیده است. بر اساس ابیات زیر، به نظر می‌رسد که کاکوی نخست مطابقت بیشتری با پیل‌دندان دارد:

نییره سپهدار ضحاک بود شنیدم که کاکوی ناپاک بود...

یکی دیو جنگیش گویند هست گه رزم ناباک و با زوردست

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۱۴۸)

ثعالبی نیز از کاکوی نخست با نام کاکویۀ اهریمن یاد می‌کند (ر.ک: ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۶) که با صفت دیو که بارها در کوش‌نامه به پیل‌دندان داده می‌شود برابر است ولی درباره کیستی کاکوی دوم که نبیره سلم و از نژاد ضحاک معرفی و به دست سام کشته می‌شود تردید بیشتری است. از آن‌جا که در طومارهای نقالی آمده که فرزند کوش به انتقام خون پدر، به ایران لشکرکشی کرد شاید این کاکوی نیز فرزند کاکوی نخست بود که در دوره منوچهرشاه در کین‌خواهی از خون پدر به ایران آمد و در نهایت به دست سام کشته شد. در کوش‌نامه از زبان شاعر آمده که برخی مردم عقیده داشتند که کوش پیل‌دندان، فرزندی با همان ویژگی‌های پدرداشت و فریدون او را کوش نامید (ر.ک: ایران‌شان بن ابی‌النخیر، ۱۳۷۷: ۵۴۶) شاید در قدیم روایاتی بوده که کوش فرزند در خون‌خواهی پدر، لشکر به ایران آورده است.

آخرین منظومه‌ای که یکی از پژوهشگران احتمال می‌دهد به کوش اشاره دارد گرشاسپ‌نامه است آن‌جا که گرشاسپ تن مرده سهمناکی را در سفر قرطبه می‌بیند (ر.ک: امیدسالار، ۱۳۹۸: ۶۱-۶۲):

رهی دید بر تیغ کهسار تنگ	بر آن ره ستودانی از خاره سنگ
بدو در، تن مرده‌ای سهمناک	شده استخوانش از پی و گوشت پاک
سرش مهتر از گنبدی بد بلند	گره گشته رگ‌ها بر او چون کمند
دو دندانش مانند عاجین ستون	یکی ساقش از سی رش آمد فزون

(اسدی توسی، ۱۳۵۴: ۳۱۲)

۴. پیل‌دندان در روایات عامیانه

اگرچه در روایات مردمی / شفاهی شاهنامه، داستانی از کوش پیل‌دندان نیامده، اما در دیگر متون عامیانه، روایت‌های متعددی از او به دست ما رسیده است. در *داراب‌نامه* می‌خوانیم که اسکندر در یکی از سفرهای خود، در بیابان به مناره‌ای بزرگ از فلزات می‌رسد که در اطرافش سلاح‌ها و استخوان‌های بزرگ آدمیان بود. اسکندر راز آن مناره را جویا می‌شود؛ افلاطون در پاسخ به او می‌گوید پس از پیروزی فریدون بر ضحاک، «افریدون لشکر برگرفت و به جنگ کوس (کوش) فیل‌دندان به مغرب برد. کوس از

پیش افریدون بگریخت و به هندوستان آمد و از کهپرنگ یاری خواست. کهپرنگ او را سپاه فرستاد. اندر آن سپاه پنجاه هزار پیل بود. چون مصاف کردند سام نریمان آن روز آن لشکر را شکست و آن سپاه هندوان به هزیمت شدند و برفتند به سوی سباط» (طرسوسی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۶۰-۳۶۱) این استخوان‌های آن مردمان است که این جا کشته شدند. به نظر می‌رسد روایت مناره فلزی بلندی که اسکندر می‌بیند و نیز داستان مرده سهمناکی که گرشاسپ به آن می‌رسد با روایت رسیدن اسکندر به مجسمه کوش است که در *کوش‌نامه* آمده است نزدیکی و مشابهت دارد.

در *تاریخ‌گزیده* آمده که: «در عهد او (فریدون) کوش فیل‌دندان برادرزاده ضحاک، بر ولایت بربر مستولی شد و دعوی خدایی کرد. فریدون سام بن نریمان را به جنگ او فرستاد و میان‌شان محاربات عظیم رفت اما ظفر سام را بود و کوش به مطاوعت درآمد. نمرود بن کنعان از تخم کوش است» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۸۴). آن‌چنان‌که می‌بینیم در *داراب‌نامه* و *تاریخ‌گزیده*، صریحاً به مرگ کوش اشاره‌ای نمی‌شود و تنها سخن از نبرد او با سام به میان آمده که به شکستش خاتمه می‌یابد و آشکار نیست که آیا آن استخوان‌های بزرگ، به کوش تعلق داشت یا به سپاهیان. از سوی دیگر در متن فعلی *کوش‌نامه*، سام حضور ندارد و این قارن است که کوش را با سختی بسیار مغلوب می‌کند و او را به متابعت فریدون در می‌آورد. اگر نبرد کوش با سام از بخش‌های افتاده *کوش‌نامه* نباشد که احتمال آن هم ضعیف است پس باید گفت با داستانی ساختگی روبه‌رو هستیم که بعدها وارد برخی متون شده است.

در *اسکندرنامه* نقلی از قهرمانی به نام کوش ابن کوش که به سگ‌دندان کوش شهرت دارد یاد می‌شود که اغلب برای اسکندر و یارانش ایجاد دردسر می‌کند (ر.ک: منوچهرخان حکیم، ۱۳۸۴: ۷). صرف نظر از تشابه نام، روایات این پتیاره شباهت چندانی با داستان‌های دیگر کوش ندارد و به نظر می‌رسد محصول ذهن راوی آن است. بیشترین داستان‌های مربوط به کوش پیل‌دندان، پس از *کوش‌نامه* در طومارهای نقلی آمده و حتی در این طومارها، گاهی هر پتیاره پهن‌گوشی را گلیمینه‌گوش و از نسل ضحاک خوانده و آن را با کوش پیل‌دندان یکسان دانسته‌اند. در کهن‌ترین طومار تاکنون شناخته شده، روایتی درباره چگونگی به دنیا آمدن کوش پیل‌دندان و مخالفت او با خاندان جمشید آمده که ساختار آن با بخشی از *کوش‌نامه* برابر و متأثر از آن است (ر.ک: طومار *نقلی شاه‌نامه*، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۷۲) بنابراین، طومار، منوچهر‌نامه‌ای به

سام می‌نویسد و از او می‌خواهد شورش کوش بن کوش شاه گلیم‌گوشان را سرکوب کند. سام به نبرد کوش می‌رود و او را از بین می‌برد (ر.ک: همان: ۳۷۵-۳۷۷؛ همچنین ر.ک: مشکین‌نامه، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۹ و ۱۲۵).

پیش‌تر یادآور شدیم که اکبر نحوی با استناد به این روایت، می‌نویسد که کوش به دست سام کشته می‌شود، اما نگارنده بر آن است که داستان نبرد سام با کوش یا شاه گلیم‌گوشان، که در شماری طومارهای نقالی آمده اصالتی ندارد و احتمالاً از داستان نبرد سام با کاکوی ساخته شده است؛ زیرا از آن‌جا که در شاهنامه، سام در حضور منوچهر، از یکی از نبردهای خود با پهلوانی مهیب به نام کاکوی یاد می‌کند در حالی که خواننده نسبت به این نبرد، کمترین اطلاعی ندارد و نیز به این دلیل که در شاهنامه پیش از این رویداد، یک‌بار دیگر هم از پهلوانی به نام کاکوی یاد می‌شود و کاکوی دوم نیز از نسل ضحاک معرفی می‌شود. بنابراین نقالان و داستان‌گزاران، که کارشان تکمیل نقایص و روشن کردن مبهمات داستان‌های پهلوانی گذشته بود (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۹۰: ۹-۱۱) دست به نوآوری زدند و داستانی از خود درباره شورش پهلوانی از سرزمین گلیم‌گوشان در دوره منوچهر ساختند و نام کاکوی ناشناخته شاهنامه را به کوش که شناخته‌شده‌تر بود تغییر دادند که در نهایت این ضد قهرمان به دست سام کشته می‌شود. ظاهراً این روایت ساختگی از قرن ششم به بعد، در ادب پهلوانی ایران جای باز کرد و بازتاب آن را در متونی مانند: *درب‌نامه*، *تاریخ‌گزیده* و *سام‌نامه* که بدان اشاره کردیم مشاهده می‌کنیم.

از دیگر جلوه‌های داستان‌های کوش در طومارهای نقالی، روایات پیدایش کوش بن کوش و نبردهای او با ایرانیان است که در *برزونامه منظوم* هم آمده، با این تفاوت که گاهی مرگ کوش را به دست رستم زال گزارش کرده‌اند (ر.ک: *طومار نقالی شاه‌نامه*، ۱۳۹۱: ۶۶۹؛ *رستم‌نامه*، ۱۳۸۶: ۱۱۷؛ *نثر نقالی شاه‌نامه*، ۱۳۹۷: ۱۶۷) همچنین در این طومارها از کین‌خواهی پیل‌دندان پسر کوش و کشته شدن او به دست کوهکش سخن به میان آمده است (ر.ک: *طومار نقالی شاه‌نامه*، ۱۳۹۱: ۷۳۴؛ *هفت‌لشکر*، ۱۳۷۷: ۳۹۵؛ *رستم‌نامه*، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۲۰۱؛ *مشکین‌نامه*، ۱۳۸۶: ۱۳۶؛ *شاه‌نامه نقالان*، ۱۳۹۶: ۳۰۵۸؛ *طومار شاه‌نامه فردوسی*، ۱۳۸۱: ۸۰۷).

بنا بر طومار زریری، ضحاک به پیشکار خود می‌گوید «نبیره» پسر ارشد من، در بیت‌المقدس و پسر دیگر من کوش، در مغرب سلطنت دارند اگر روزگرم تباه شد تو با

آن‌ها بیعت کن (ر.ک: شاه‌نامه‌نقالان، ۱۳۹۶: ۲۰۶). در دنباله داستان، نبیره فرزند ضحاک به میدان نبرد منوچهر می‌آید که به دست شم سوار کشته می‌شود (همان: ۳۴۴) چندی پس از آن هم کاکوی فرزند نبیره، به انتقام خون پدر به یاری سلم و تور می‌آید که او نیز در نبرد با اطرد از بین می‌رود (همان: ۴۲۳). بدیهی است که این دو روایت نیز از داستان کاکوی نخست و از شاهنامه الگو برداری شده است و اصلتی ندارد. همچنین در طومار زریری در داستان ببر بیان آمده که پهلوانی به نام بهرام گلیم گوش که اولاد گوش بن گوش نبیره ضحاک بود جلوی سپاه زال را گرفت و به او گفت قصد خون‌خواهی ضحاک را دارد. این پهلوان در نهایت به دست رستم کشته شد (ر.ک: همان: ۱۳۵۳-۱۳۵۵).

برپایه یکی از طومارها «کوهکش آمد میدان، نعره زد رستم کجاست؟ اسلحه و اسباب کرشاسب به من می‌رسد، اگرکوش نبود کرشاسب در هند فایق نمی‌آمد فرامرز آمد در مغرب به من سپاه آورد» (نثر نقالی شاهنامه، ۱۳۹۷: ۱۷۲) از چگونگی همراهی کوش با کرشاسب فعلاً آگاهی نداریم و در کوش‌نامه هم اگرچه از رزم کرشاسب با مهرج در سرزمین هند یاد می‌شود (ر.ک: ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۵۱) اما از همکاری کوش با او نشانی نیست. این نکته هم در خور ذکر است که فرامرز پس از قهرکردن از رستم و بازگشت به میدان هفت‌لشکر، خود را کوهکش می‌نامد. گذشته از تشابه اسم‌های کوش و کوهکش که قابل تأمل است شاید در گذشته روایاتی هم بود که در آن‌ها کوهکش را از نژاد پیل‌دندان می‌خواندند؛ زیرا در داستان‌ها آمده که کوهکش خود را از نسل ضحاک و از سرزمین مغرب که در واقع جایگاه پیل‌دندان بود معرفی می‌کند.

روایت منحصر به فرد و در خور توجهی در یکی از طومارها هست که تاکنون پژوهشگران به آن اشاره نداشته‌اند و آن کشته شدن کوش به دست نریمان است. براساس یک روایت، هنگامی که بهمن به دخمه خاندان رستم می‌رسد در آن‌جا از زبان نریمان چنین می‌خواند: «بدان که مرا نریمان بن کرشاسب می‌گویند و در رکاب فریدون، به جانب هشرخان رفتم. تمام ولایت‌ها را به ضرب شمشیر از برای او گرفتم و گلیمینه گوش ابن ضحاک را کشتم» (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۵۳۸). پیش‌تر یادآور شدیم که گاهی نقالان کوش را گلیمینه گوش می‌خواندند. در کوش‌نامه از حضور نریمان در جنگ‌های هند، بجه و نوبی و همچنین در دوره تازش سلم و تور یاد می‌شود؛ اما از

رویاریابی او با پیل‌دندان نشانی نیست. گذشته از این داستان، برپایهٔ مشکین‌نامه، در جنگ‌های منوچهر با شداد، پهلوانی به نام کوش به یاری شداد می‌آید که در نهایت به‌دست گودرز کشته می‌شود (ر.ک: مشکین‌نامه، ۱۳۸۶: ۱۰۷) احتمال دارد که این دو روایت برگرفته از همان نبرد سام با کوش گرفته شده است و تنها نام قهرمان را عوض کرده‌اند به‌ویژه که در روایت اخیر، تاثیر داستان‌های سام‌نامه هم کاملاً مشهود است. در شاهنامه‌های گردی هم از کشته شدن پیلگوش نبیرهٔ ضحاک به دست رستم خبر داده‌اند (ر.ک: گورانی، ۱۳۸۹: ۲۳۴) در یکی از روایات این شاهنامه‌ها هم که در اصل دنبالهٔ بخشی از داستان بانوگشسپ است آمده که تراتاش (تمرتاش) به شیده وعدهٔ وصال بانوگشسپ را داد، اما به دست بانو کشته شد. افراسیاب پهلوانی به نام کوش را به‌سوی فرامرز و بانوگشسپ فرستاد. فرامرز به نبرد کوش رفت و او را فراری داد. افراسیاب پسرش صرفه (سرخه) را به نبرد فرستاد که او هم به دست فرامرز گرفتار شد و رستم سر او را به انتقام خون سیاوش از تن جدا کرد. افراسیاب به ایران تاخت اما در برابر رستم تاب نیاورد تا این که در تاخت و تازهای بعدی، بانوگشسب و شماری از پهلوانان را گرفتار و در توران زندانی کرد. رستم برای رهایی آن‌ها رفت و با کوش و پیران نبردهایی کرد و پس از رها ساختن پهلوانان، به ایران باز گشت (ر.ک: لطفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۷۶-۱۷۸) در این روایت از عاقبت کوش سخنی به میان نیامده ولی احتمالاً به دست رستم کشته شده است.

آن‌چنان که می‌بینیم در متون پهلوانی عامیانهٔ ایران، داستان‌های متعددی دربارهٔ کوش هست که اغلب آن‌ها با روایت کوش‌نامه متفاوت است. ظاهراً نقالان و راویان، ضدقهرمانی را به نام کوش از نسل ضحاک، در ذهن خود داشتند که با ایرانیان نبردهای سختی کرده بود، اما چون از سرگذشت و پایان زندگی او آگاهی دقیقی نداشتند هر یک به زعم خود، داستان‌هایی نوظهور حول شخصیت کوش پدید آوردند^۱ و بنا بر فراخور داستان، مرگ آن پتیاره را به دست پهلوانانی مانند نریمان، سام، رستم، گودرز، رستم یک‌دست و کوهکش گزارش دادند.

۵. منشأ احتمالی روایات کوش پیل‌دندان

تاکنون دربارهٔ مأخذ کوش‌نامه و سیمای قهرمان آن پژوهش چندانی نشده و بنابراین یکی از پژوهشگران، «مأخذ منشور کوش‌نامه اثری مستقل، منفرد و تقریباً

ناشناخته بوده است» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۴۵). در کوش نامه بر عکس دیگر منظومه‌های پهلوانی ایران، اعضای خاندان رستم، حضور پررنگی ندارند همچنین برخلاف اغلب متون پهلوانی، شماری بن‌مایه‌های اساطیری مانند نبرد با اژدهایان و دیوان، حضور جادوان، گذشتن از هفت‌خان و... در آن دیده نمی‌شود یا اندک است و شاید توجه به همین نکات بود که یکی از محققان، اصل این داستان را قصه‌های رزمی و حماسی عامیانه پارسی مربوط به اواخر عهد ساسانی می‌دانست (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۷۸). مصحح کوش نامه نیز احتمال می‌دهد که اسطوره کوش پیل‌دندان در اصل سرگذشت یکی از شاهان یا پهلوانان کوشانیان بود که به سبب ستمی که به ایرانیان روا داشت، بعدها تاریخ‌نگاران دوره ساسانی، آن قهرمان را به صورت کوش پیل‌دندان معرفی کردند (ر.ک: متینی، ۱۳۷۸: ۶۵۳). یکی دیگر از پژوهشگران نیز در دیدگاهی مشابه، چهره کوش پیل‌دندان را متأثر از تلاش ساسانیان می‌داند تا با ساختن یک ضد قهرمان از حکومت کوشانیان، با این رقیب سیاسی خود مقابله کنند (ر.ک: Gazerani, 2019: 897).

آرتور دوگوبینو قهرمان کوش نامه را یکی از سلاطین قوم ماد می‌دانست که اخبارش با داستان‌های اقوام مادی و آشوری آمیخته شده و با گذشت زمان شاخ و برگ‌هایی یافته است (ر.ک: دوگوبینو، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۴۶) ذبیح‌الله صفا نیز اگرچه سامی نژاد بودن اصل داستان را قابل قبول دانست ولی فرضیه برابری یک فرد سامی نژاد با قهرمانی از قوم ماد را مردود دانست (ر.ک: صفا، ۱۳۵۴: ۲۹۹). یکی از پژوهشگران هم حدس می‌زند که داستان کوش در اصل، حکایتی از ستمگری‌های یک یا چند تن از پادشاهان سامی بین‌النهرین بود که در طی سده‌های متمادی، اندک اندک از واقعیت‌های تاریخی دور شده و بر شاخ و برگ آن افزوده شد (ر.ک: نحوی، ۱۳۹۳: ۴۴۲). حسین رزمجو هم به سامی نژاد بودن پیل‌دندان به اختصار اشاره می‌کند بدون آن‌که دلیلی برای سخن خود بیاورد (ر.ک: رزمجو، ۱۳۸۸: ۱/۱۳۹). یکی از محققان نیز برپایه شواهد تورات و قاموس آن، به تأثیر اسرائیلیات بر مأخذ کوش نامه و اختلاط شخصیت کوش با کوش بن‌حام بن نوح اشاره می‌کند (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۵: ۲۱۱). اخیراً یکی دیگر از پژوهشگران هم احتمال داده که کوش پیل‌دندان، با کوشان/کوش جباری که در عهد عتیق از او نام برده شده برابر است که برخی داستان‌هایش با روایات کوش بن‌حام آمیخته شده است (ر.ک: امید سالار، ۱۳۹۸: ۶۴).

به نظر می‌رسد شماری از این فرضیه‌ها و احتمالات صحیح است زیرا با بررسی منابع موجود، می‌توان گفت که چهره کوش پیل‌دندان، تا حدود زیادی با سیمای اساطیری کوش بن حام بن نوح (ع) برابری دارد. در این جا به بررسی دقیق‌تر این نکته می‌پردازیم:

۱. بر پایه عهد عتیق، حضرت نوح(ع) دارای سه فرزند به نام‌های سام، حام و یافث بود. روزی نوح غفلتاً در میان چادر بی‌ستر خوابیده بود. حام برهنگی پدرش را در خواب دید ولی آن را نپوشاند اما دو برادرش ستر عورت کردند. نوح (ع) از خواب برخاست و با آگاه شدن از آن، نسل حام را نفرین کرد(ر.ک: کتاب مقدس، ۱۳۸۸: ۱۵). بر اساس این گزارش می‌توان گفت که نسل حام همگی نفرین شده بودند. در کتاب مذکور آمده است که «پسران حام، کوش و مصریم و فوط و کنعان و... کوش نمرود را تولید نمود آن‌که به جباری در زمین شروع نمود...»(همان: ۱۶). این سلسله نسب در کوش‌نامه نیز آمده و نمرود پسر کنعان پسر کوش پیل‌دندان معرفی شده است:

سر سال فرزندش آمد پدید که فرزند از او زشت‌تر کس ندید...

مر او را پدر نام کنعان نهاد به دیدار او روز و شب بود شاد

پدر بود نمرود را او درست که او خواند خود را خدای از نخست

(ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۰۶)

۲. طبری می‌نویسد که حام پدر سیاهان بود زیرا نوح او را نفرین کرد(ر.ک: طبری، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۴۲ و ۱۴۵) به گفته یعقوبی، از نسل کوش بن حام، فرقه‌های نوبه و بجه پدید آمد(یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۳۳؛ همچنین ر.ک. طبری، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۴۶-۱۴۷) مسعودی می‌نویسد: «وقتی فرزندان نوح در سرزمین پراکنده شدند فرزندان کوش بن کنعان به طرف مغرب رفتند تا از نیل گذشتند آن‌گاه از هم جدا شدند و یک فرقه ما بین مشرق و مغرب راه جنوب پیش گرفتند که مردم نوبه و بجه و زنگ باشند»(مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۶۸) به روایت دیگر سرزمین نوبه در شمار مناطقی بود که نوح به پسرش به حام داد(ر.ک: گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۷۰). در کوش‌نامه نیز میان سیاهان بجه و نوبی با کوش پیل‌دندان ارتباط است با این تفاوت که در این کتاب، کوش دیگر از نژاد آنان نیست بلکه پهلوانی است که از سوی فریدون مأموریت می‌یابد تا بجه و نوبی را سرکوب کند. اگرچه در کوش‌نامه دلیل رها کردن کوش برای سرکوب سیاهان، ستمکاری، دلاوری و

سهمناسکی او معرفی می‌شود؛ اما شاید در روایات کهن‌تر، دلیل این امر این بود که کوش پیل‌دندان نیز از نژاد همان طایفه بود و به همین دلیل، سرکوبی سیاهان به دست او بسیار آسان‌تر بود. نکته در خور توجه دیگر هم این است که در *کوش‌نامه*، صریحاً اشاره می‌شود که دیو سپید یکی از بزرگ‌ترین پهلوانان نوبی، فرزند حام نوح بوده است:

یکی پهلوان بود اردو (۹) به نام نیا نوح پیغمبر و باب حام...
به گفتار نوبی چنان رانند که دیو سپیدش همی خواندند

(ایران‌شان بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۶۵۶)

۳. ضحاک یا آژی‌دهاک یکی از قهرمانان عصر اوستایی است اما در بعضی متون تاریخی، او را از نسل نوح نبی^۶ (ع) و از فرزندان حام بزهکار و نفرین شده دانسته‌اند: «پس از هزار سال ملکی بیرون آمد نسل او از حام بن نوح، و نام آن ملک اژدهاق بود و این اژدهاق جادوی داشت و ملکت همه جهان به جادوی گرفت» (طبری، ۲۵۳۶: ۵/۱۱۵۱؛ همچنین ر.ک: بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۸۸) «ایرانیان، نژاد او (ضحاک) را به چهار پشت به نوح می‌رسانند» (مقدسی، ۱۳۸۶: ۵۰۱). از آن‌جاکه در *کوش‌نامه* هم کوش پیل‌دندان برادرزاده ضحاک و یا از نوادگان او خوانده می‌شود (بیت ۸۵۷۲) پس می‌توان احتمال داد که در دوره امتزاج اساطیر ایران و اقوام سامیان، ضحاک تبهکار را از نژاد حام نفرین شده می‌خواندند پس به احتمال بسیار، کوش پیل‌دندان ضحاک نژاد را نیز با کوش بن حام بن نوح (ع) برابر و یا دست کم الگو گرفته از او می‌دانستند.

۴. در یکی از متون تاریخی آمده که انسان‌های خوب از نسل سام بن نوح و انسان‌های شریر و بدکار از نسل حام بن نوح هستند: «از سام، عرب و عجم آمدند و سپیدرویان رومیان و پیغامبران و نیک مردمان، و از حام، سیاهان حبش و زنگیان و هندوان و کافران و فرعونان و ملکان و ستمکاران» (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۸۸) مبدأ این اندیشه همان روایت عهد عتیق است که نوح (ع) فرزندش حام را نفرین و سام را دعا کرد. بر این اساس *پیل‌دندان* بزهکار نیز باید از نسل حام تلقی می‌شده است.

۵. یکی از مورخان به سکونت فرزندان حام بن نوح بر سواحل سرزمین کوشانیان اشاره می‌کند: «... و نیل و ممالک کوشانیان، فرزندان حام بن نوح که بر سواحل آن هست» (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۶۵) این شهر کوشان/کوش در آفریقا بود و بعضی نوادگان

حام در آن سکنی داشتند و از ممالک متمدن حدود قرن هشتم پیش از مسیح بود. کمبوجیه پس از فتح مصر به این شهر پرداخت (ر.ک: هاکس، ۱۳۸۳: ۷۴۴-۷۴۵) شواهد باستان‌شناسی درباره شهر کوشان حاکی از آن است که با قوم آشور هم درگیری داشتند (ر.ک. Török, 1997: 32-38).

یکی از مصرشناسان می‌نویسد که «جلال و شوکت کوش قطعاً در برخی افسانه‌های آفریقای مرکزی و غربی منعکس شده است» (لوکلان، ۱۳۶۰: ۵۷) پس این احتمال هست که ارتباط پادشاهان کوش با ایرانیان در دوره هخامنشیان و نیز جنگ‌های آن‌ها با قوم آشور که همسایه همجوار ایران بود در شکل‌گیری چهره کوش پیل‌دندان بی‌تأثیر نبوده است. در کوش‌نامه آمده که کوش پیل‌دندان در ماوراءالنهر شهری بنا کرد و نام آن را کوشان گذاشت. اگرچه این دو کوشان، از نظر موقعیت جغرافیایی باهم هم‌خوانی ندارند، اما میان ساکنان شهر کوشان آفریقا که از نسل حام بن نوح بودند و شهر خود را نیز بر مبنای نام جد خود کوش بن حام نامگذاری کرده بودند، با بنای شهر کوشان به دست کوش پیل‌دندان ارتباطی معنادار هست.

۶. در کوش‌نامه آمده است که فریدون پس از تقسیم جهان، سلم را به روم می‌فرستد و از وی می‌خواهد پدر را از کارکوش آگاه کند (ایات ۸۶۹۰-۸۶۹۲) سپس چندین سال میان سپاه سلم با کوش جنگ درمی‌گیرد. یکی از مورخان، این بخش از داستان را به اختصار این‌گونه روایت می‌کند: «گویند نمرود (فریدون) سه پسر داشت به نام‌های ایرج و سلم و طوس، نمرود پادشاهی و کشور خود را به ایرج وا گذاشت و سلم را به فرماندهی فرزندان و اعقاب حام و طوس را به سالاری فرزندان یافت گماشت» (دینوری، ۱۳۶۴: ۳۳). عبارت اخیر خود قرینه دیگری است که نشان می‌دهد میان کوش پیل‌دندان و کوش بن حام ارتباط و پیوستگی است.

۷. در بعضی تاریخ‌های دوره اسلامی، آمده است که پس از مرگ فریدون، کوش پسر حام بن نوح بر سرزمین ایران پادشاهی کرد و بت‌پرستی را رواج داد: «پس آفریدون بمرد و آن هر سه پسر به پادشاهی نشستند. آن گاه طوح (تور) و سلم عهد پدر را بشکستند و بر برادر کهنتر حسد بردند و گفتند پدر ملک بهتر او را داد و تاج بر سر او نهاد ما او را بکشیم. هر دو بیامدند و با او حرب کردند و او را بکشند و جهان به دو نیم کردند و نتوانستند نگه داشتن. و هر جایی یکی برخاست و پادشاهی همی گرفت و به دست ایشان جز اقلیم بابل نبود مانده. و بمردند و پادشاهی از فرزندان ایشان بشد و

به ملکی دیگر افتاد نامش **کوش** از **فرزندان حام بن نوح** و اقلیم ایران همه به دست او شد و **بت پرستید** و **چهل سال** پادشاهی کرد و **بیدادگر** بود و **ستمگر**. پس پسرش **کنعان** این ملک بگرفت او نیز **بت پرستیدی** (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۹۴؛ همچنین ر.ک. طبری، ۲۵۳۶: ۱۱۵۷/۵؛ *مجمّل التّواریخ*، ۱۳۸۳: ۱۸۶؛ گردیزی، ۱۳۸۴: ۱۹؛ *منهاج سراج*، ۱۳۴۲: ۱/۱۳۸). در این روایت **چهره کوش** **بیدادگر** و **بت پرستی** که بر ایران مستولی می‌شود با **کوش پیل‌دندان** **برابری** دارد و **آشکارا** او را از **نسل حام بن نوح** خوانده‌اند. اگرچه در *کوش‌نامه* از **فرمان‌روایی پیل‌دندان** بر **سرزمین ایران** نشانی نیست هرچند که **بارها** در **صدد انتقام** از **فریدون** و **ایرانیان** بود با این حال در **بخش نخست داستان**، از **پادشاهی** به نام **کوش** که **شاه ایران** زمین است (بیت ۳۱۲) یاد می‌شود که می‌تواند **بازتابی** از **همان روایات** **متون تاریخی** یاد شده باشد.

۸. در **عهد عتیق** و به **تبع آن** **شماری** از **متون تاریخی**، آمده است که **چندی** پس از **حضرت موسی (ع)**، **بنی اسرائیل** **گناهکار** شدند و **خداوند** به **سبب گناه‌شان**، **پادشاه** **بیدادگری** به نام **کوشان** یا **کوش** را که از **فرزندان لوط** بود بر ایشان **مسلط** کرد. **تاین** که **بنی اسرائیل** **دعا** کردند و **خداوند** **رهانده‌ای** به نام **عثنایل** را به **سوی آن‌ها** فرستاد و او بر **کوش** **غلبه** یافت و **چهل سال** **سروری** داشت (ر.ک. *کتاب مقدس*، ۱۳۸۸: ۴۵۷؛ بلعمی، ۱۳۸۶: ۴۹۷؛ **حمزه بن حسن اصفهانی**، ۱۳۴۶: ۹۳؛ **مسعودی**، ۱۳۸۲: ۱/۴۵). **مورخان** **درباره این کوشان/کوش** **آگاهی** **بیشتری** **نداده‌اند**، **اما آن‌چنان** که یکی از **محققان** هم اشاره می‌کند (ر.ک. **امیدسالار**، ۱۳۹۸: ۶۴) شاید **بخش‌های** از **شخصیت** **پیل‌دندان** **متأثر** از این **چهره اساطیری** است.

برپایه شواهد تاریخی که **حاکمی** از **نزدیکی** و **گاهی همسانی** **چهره کوش پیل‌دندان** با **کوش‌بن حام** است و **نیز** **عدم حضور** **پر رنگ** **پهلوانان** **خاندان رستم** در **سیر روایات کوش‌نامه** و **نیز** **فقدان** **شماری** **بن‌مایه‌های اساطیری**، می‌توان **حدس** **شماری** از **پژوهشگران** را **تقویت** نمود و **گفت** که **احتمالاً** **خاستگاه اولیه** **داستان‌های کوش پیل‌دندان**، **نواحی غربی ایران** بود و **هسته اصلی** **داستان‌های این ضدقهرمان**، **یورش‌های وحشیانه** یکی از **شاهان** یا **فرماندهان** **نواحی بین‌النهرین** **مثلاً** **سرزمین آشور** یا **کلده** (ر.ک: **صفا**، ۱۳۵۴: ۴۵۶) به **ایران** بود که به **احتمال** **بسیار**، **برای مدتی** هم بر **بخش‌هایی** از **نواحی ایران** **تسلط** داشت و **خاطره این ظلم** و **تعدی** **وحشیانه**، **برای مدتی طولانی** در **حافظه جمعی** **مردمان باقی ماند** و **همین امر** **سبب شد** که **بعدها**،

ضدقهرمانانی سامی نژاد مانند ضحاک، زنگاو و کوش پیل‌دندان در اساطیر و یا داستان‌های پهلوانی ایران وارد شوند و داستان‌هایی دربارهٔ ستمگری آن‌ها ساخته شود. از سوی دیگر در دورهٔ التقاط فرهنگ‌های اقوام ایرانی و سامی نژاد و هم‌زمان با آشنایی دو قوم با اساطیر یکدیگر که نمی‌توان زمان دقیقی هم برای آن تعیین کرد، احتمال دارد که ایرانیان با پادشاه جبّاری به نام کوش/کوشان که در تورات هم نام او آمده است آشنا شده بودند بدون آن‌که از جزئیات سرگذشت او آگاهی داشته باشند و از طرفی هم چون در اساطیر سامیان، کوش بن حام دارای چهره‌ای منفی بود، به تدریج متأثر از شخصیت این دو تن، ضد قهرمانی به نام کوش در ذهن داستان‌پردازان ساخته شد که متأثر از واقعیات تاریخی، او را پادشاهی توصیف کردند که توانسته بود بر ایران هم تسلط یابد و بت‌پرستی را هم رواج دهد. این دسته روایات بعدها وارد شماری *خدا/ی‌نامه‌ها* شد و از آن‌جا به برخی متون سده‌های نخستین اسلامی هم مانند *تاریخ طبری* و *تاریخ بلعمی* رسید. ظاهراً با گذشت زمان و هم‌زمان با فراموش شدن خاطرهٔ تسلط اقوام باستانی سامی‌نژاد بر ایران یا به دلیل غیرت ملی ایرانیان، به تدریج این روایات تغییر یافت و در داستان‌های‌های بعدی، کوش به گونهٔ پتیاره‌ای مهیب و پیل‌دندان درآمد و دشمن سر سخت ایرانیان تصوّر شد بدون آن‌که توانایی آن را داشته باشد که بر ایران تسلط یابد. چندی بعد و در ادوار متأخرتر، داستان‌هایی ساخته شد که پایان آن چنین بود که پیل‌دندان به سزای کردارهای نادرست خود رسید و سرانجام به دست یکی از پهلوانان بزرگ از پای درآمد.

۶. نتیجه‌گیری

بنابر آنچه آمد می‌توان به نتیجه‌های زیر دست یافت:

۱. دربارهٔ منشأ روایات *کوش‌نامه* و زمینهٔ تاریخی قهرمان این داستان، میان پژوهشگران اختلاف نظر است. برپایهٔ برخی شواهد، شاید بتوان گفت که خاستگاه روایات این منظومه، نواحی غربی ایران بود و احتمالاً سیمای قهرمان داستان هم، متأثر از اسطوره‌های اقوام سامی‌نژاد و به‌ویژه حاصل تلفیق دو شخصیت منفی روایات عهد عتیق یعنی کوش جبّار و کوش پسر حام بود. از آن‌جاکه در دورهٔ هخامنشیان، نبردهایی نیز میان سپاه ایران و شاهان سرزمین کوش/کوشان در آفریقا روی داده بود، بنابراین

دور از ذهن نیست که بخشی از اساطیر آن ناحیه نیز در شخصیت‌پردازی کوش پیل‌دندان اثر گذار بوده است.

۲. در منظومه‌های پهلوانی پیشینه‌دار و متقدم، اخبار کوش پیل‌دندان یا نیامده یا اگر هم آمده است مختصر و اغلب در حدود حدس و گمان است. از آن‌جاکه برپایه قراین کوش‌نامه و نیز بعضی اشارات تاریخی، به نظر می‌رسد که کوش پیل‌دندان به مرگ طبیعی از دنیا رفت، اما ظاهراً چون این امر خوشایند توده مردم نبود بعدها نقالان و داستان‌گزاران در اصل داستان دست بردند و روایت‌های گوناگونی درباره مرگ کوش ساختند. احتمالاً نخستین روایت از این دسته داستان‌های ساختگی، کشته شدن کوش به دست سام نریمان بود که به نظر می‌رسد الگوی اصلی آن هم، داستان مختصر و مبهم کشته شدن کاکوی به دست سام بود که در شاهنامه آمده است. روایت کشته شدن کوش به دست سام نریمان، دیری نیاید که اشتها یافت و جلوه‌هایی از آن را در متون قرن ششم به بعد شاهد هستیم. در ادوار متاخر، داستان‌های نوظهور دیگری نیز حول شخصیت کوش شکل گرفت و کشندگان او، پهلوانان دیگری از جمله رستم، گودرز، رستم یک‌دست و کوهکش معرفی شدند.

یادداشت‌ها

۱. درباره درستی ضبط نام ایران‌شان یا ایران‌شاه میان پژوهشگران اختلاف نظر است: بعضی صورت ایران‌شاه را درست‌تر می‌دانند (ر.ک. امیدسالار، ۱۳۸۴: ۳۱۹-۳۲۰) و عده‌ای دیگر ضبط ایران‌شان (ر.ک. نحوی- رضاپور، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۹).
۲. این داستان در مقاله محمود امیدسالار معرفی شده است (ر.ک. امید سالار، ۱۳۹۸: ۶۷-۷۸) بنابراین از تفصیل سخن درباره آن خودداری می‌کنیم.
۳. این پژوهشگر در جای دیگری از این سخن خود عدول می‌کند و می‌نویسد که ظاهراً روایت اول شاه‌نامه اصالت دارد (ر.ک. نحوی، ۱۳۹۳: ۴۴۵).
۴. این روایت منحصر به فرد است و در منابع دیگر سخن از این است که دیوی به نام گلیمینه‌گوش که اشاره‌ای هم به نژادش نمی‌شود از راه می‌رسد و با رستم نبرد می‌کند اما شکست می‌خورد و به متابعت رستم درمی‌آید (ر.ک. بیریان، ۱۳۹۴: ۲۵۹؛ هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۱۵۴؛ طومار جامع نقالی شاهنامه، ۱۳۹۶: ۱۵۸) حتی در روایتی دیگر آمده است که این دیو راهنمای رستم نیز در کشتن ببر بیان می‌شود (ر.ک. شیر محمدیان- عابدزاده، ۱۹۹۶: ۳۵).

۵. حتی گاهی در طومارها شاهد آنیم که نام شماری از پتیارگان را فیل‌دندان گذاشته‌اند بدون آن‌که از نسل ضحاک باشند (ر.ک. *طومار نقالی شاه‌نامه*، ۱۳۹۱: ۶۱۵؛ *هفت‌لشکر*، ۱۳۷۷: ۱۲۱).
۶. امتزاج و آمیختگی اساطیر ضحاک با حضرت نوح و نواده‌اش نمرود شامل موارد دیگری هم می‌شود: الف. روایاتی که حضرت نوح (ع) را مقارن با حکومت ضحاک دانسته‌اند: «پس خدای عز و جل، برنوح (نوح) پیغامبر را بدین قوم بنوراسب (بیوراسب) فرستاد تا ایشان را به خدای عز و جل بازخواند» (طبری، ۲۵۳۶: ۳/ ۷۲۸؛ همچنین ر.ک. بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۸۰؛ *مجموعه‌التواریخ*، ۱۳۸۳: ۱۸۴؛ گردیزی، ۱۳۸۴: ۱۷) طبری حتی مرگ ضحاک را به دست نوح دانسته است: «گویند هلاک ضحاک به دست نوح بود و قوم نوح همان قوم ضحاک بود» (طبری، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۵۲). ب. روایاتی که ضحاک را با نمرود برابر می‌دانند: «بعضی‌ها گفته‌اند نمرود همان ضحاک بود. هشام بن محمد گوید: شنیده‌ایم که خدا بهتر داند که ضحاک نمرود بود» (طبری، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۷۳؛ همچنین ر.ک. صدیقیان، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۸) «... دومی ازدهق ماردوش سه دهان و شش چشم است و عرب او را ضحاک می‌خوانند که همان شخص نمرود است» (مقدسی، ۱۳۸۶: ۴۳۸) ج. روایاتی که نمرود را کارگزار ضحاک معرفی کرده‌اند: «... نمرود از جانب ضحاک که همان بیوراسب بود پادشاهی بابل داشت» (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/ ۴۷۸)، «برخی بر این باورند که بیوراسب همان نمرود است. برخی دیگر گویند که نمرود در بسیاری از سرزمین‌ها کارگزار بیوراسب بوده است» (مسکویه، ۱۳۸۹: ۵۲؛ همچنین ر.ک. طبری، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۷۲)

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۵). «از میراث ادب حماسی ایران». *آیین‌ه میراث*، شماره ۳۲، ۲۰۵-۲۳۰.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). *برگزیده متون پهلوانی*. تهران: سمت.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۰). «ویژگی‌های روایات و طومارهای نقالی». *شعر پژوهی*. سال سوم، شماره ۱-۲۸.
- اسدی توسی (۱۳۵۴) *گرشاسب‌نامه*. به کوشش حبیب یغمایی. تهران: طهوری.
- اسکندرنامه. (۱۳۸۷) به کوشش ایرج افشار. تهران: چشمه.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۹۸) *روایتی از مرگ کوش پیل‌دندان*. جشن‌نامه دکتر محمود مدبری، به کوشش نجمه حسینی سروری و دیگران. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۷). *یادداشت‌های کوش‌نامه*. فرهنگ ایران زمین. شماره ۳۰، ۳۱۲-۳۳۶.
- ایران‌شان بن ابی‌الخیر (۱۳۷۷). *کوش‌نامه*. به کوشش جلال متینی. تهران: علمی.
- ایران‌شاه ابن‌ابی‌الخیر (۱۳۷۰). *بهم‌نامه*. تصحیح رحیم عقیفی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بیر بیان. (۱۳۹۴). *هفت منظومه حماسی*. تصحیح رضا غفوری. تهران: میراث مکتوب.

- بلعمی، ابوعلی (۱۳۸۶). *تاریخ بلعمی*. تصحیح محمد تقی بهار - محمد پروین گنابادی. تهران: هرمس.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی*. ترجمه محمد فضایی. تهران: نقره.
- حاتم‌نامه. (۱۳۸۶). به کوشش حسین اسماعیلی، تهران: معین.
- حمزه بن حسن اصفهانی. (۱۳۴۶). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خالقی مطلق. جلال (۱۳۸۹). *یادداشت‌های شاهنامه*. بخش دوم. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین حسینی (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب السیر*. تهران: کتابفروشی خیام.
- دشتبان، زهرا (۱۳۸۹). «بررسی و معرفی برخی از قهرمانان اساطیری منظومه کوش‌نامه». *مطالعات ایرانی*. سال ۹، شماره ۱۷، ۸۷-۱۰۴.
- دوگوبینو، آرتور ژوزف (۱۳۸۷). *تاریخ ایرانیان*. ترجمه ابوتراب خواجه نوریان. تهران: ثالث.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۴). *اخبار الطوال*. ترجمه محمد مهدی دامغانی. تهران: نی.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۱). *قلمرو ادبیات حماسی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رستم‌نامه. (۱۳۸۷). تصحیح محمد بهشتی. تهران: پیری.
- زرین‌قبانامه. (۱۳۹۳). تصحیح سجاد آیدنلو، تهران: سخن.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *از گذشته ادبی ایران*. تهران: سخن.
- سام‌نامه (۱۳۹۲)، تصحیح وحید رویانی. تهران: میراث مکتوب.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵). «بازشناسی بقایای افسانه گرشاسب در منظومه‌های حماسی ایران». *سایه‌های شکار شده*، تهران: طهوری.
- شاه‌نامه نَقّالان. (۱۳۹۶). *طومار مرشد عباس زریری اصفهانی*، ویرایش جلیل دوستخواه. تهران: ققنوس.
- شیرمحمدیان، بهرام - عابدزاده داداجان (۱۹۹۶). *قصه‌های پیرامون فردوسی و قهرمان‌های شاه‌نامه*. دوشنبه: سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- صادقی نقدعلی علیا، فاطمه؛ بشیری، علی اصغر (۱۳۹۷). «بررسی و مقایسه داستان کوش پیل دندان در کوش‌نامه و طومارهای نقالی». *فرهنگ و ادب عامه*. سال ۶، شماره ۲۴-۹۱.
- صدیقیان، مهین دخت. (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام*. جلد ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۴). *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- طاووسی، محمود و دیگران (۱۳۸۷). *ترکیب در شاهنامه فردوسی*. شیراز: نوید.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۰). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر (۲۵۳۶). *ترجمه تفسیر طبری*. تصحیح حبیب یغمایی، تهران: توس.
- طرسوسی، ابوطاهر محمد (۱۳۷۴). *داراب‌نامه*. به کوشش ذبیح‌الله صفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- طومار جامع نقالی شاهنامه (۱۳۹۶). تصحیح فرزاد قائمی. مشهد: به نشر.
- طومار شاهنامه فردوسی (۱۳۸۱). به کوشش هاشمی، احمد - سعیدی. سید مصطفی. تهران: خوش‌نگار.
- طومار نقالی شاهنامه (۱۳۹۱). به کوشش سجّاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.
- عطایی. (بی‌تا). *برزنامه جدید*. دست‌نویس کتابخانه پاریس به شماره ۱۱۸۹.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*. تصحیح جلال خالقی مطلق. جلد ششم تصحیح محمود امیدسالار. جلد هفتم تصحیح ابوالفضل خطیبی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- فرامرنامه. (۱۳۲۴ ه.ق). به اهتمام رستم تفتی. بمبئی: چاپخانه فیض رسان.
- فرامرنامه بزرگ (۱۳۹۴). به کوشش ماریولین فان زوتفن - ابوالفضل خطیبی. تهران: سخن.
- قصه امیرالمونین حمزه (۱۳۶۲). تصحیح جعفر شعار. تهران: کتاب فرزاد.
- کتاب مقدس (۱۳۸۸). ترجمه فاضل خان همدانی و دیگران. تهران: اساطیر.
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۹۰). *نامه باستان*. جلد ۴. تهران: سمت.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۸۴). *زین الاخبار*. به اهتمام رحیم رضازاده ملک. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- گورانی، مصطفی بن محمود (۱۳۸۹). *جواهرپوش، شاهنامه کردی*. تصحیح ایرج بهرامی. تهران: آنا.
- لطفی‌نیا، حیدر (۱۳۸۸). *حماسه‌های قوم گُرد*. تهران: سمیرا - سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- لوکلان، ژان (۱۳۶۰). «میرا طوری کوش». ترجمه شاپور اسدیان. پیام یونسکو. شماره ۱۱۶، ۵۵ - ۵۷.
- متینی، جلال (۱۳۷۸). «برخی از نیرنگ‌های کارزار در کوش‌نامه». *ایران‌شناسی*. سال ۱۱، شماره ۴۳. ۶۶۷ - ۶۴۹.
- مجمّل التّواریخ. (۱۳۸۳). تصحیح محمدتقی بهار. تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). «تاریخ گزیده»، به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۱). «التنبيه والاشراف». ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۶۹). *تجارب‌الامم*. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
- مشکین‌نامه. (۱۳۸۶). طومار نقالی حسین بابا مشکین. به اهتمام داوود فتح‌علی بیگی. تهران: نمایش.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۸۶). *آفرینش و تاریخ*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.

- منوچهرخان حکیم (۱۳۸۴). *اسکندرنامه*. به کوشش علی رضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: میراث مکتوب.
- منهاج سراج (۱۳۴۲). *طبقات ناصری*. به کوشش عبدالحی حبیبی. کابل: مطبعه پوهنی.
- میرخواند. (۱۳۳۸). *تاریخ روضه الصفا*. تهران: انتشارات خیام.
- نثر نقالی شاهنامه. (۱۳۹۷). تصحیح رضا غفوری. تهران: آرون.
- نحوی، اکبر (۱۳۹۲). «کاکوی یا کوش پیل دندان». *مجموعه مقالات همایش هزاره شاهنامه*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نحوی، اکبر (۱۳۹۳). «کوش نامه». *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. جلد ۵. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نحوی، اکبر - رضایپور، سارا. (۱۳۹۴). «ملاحظات درباره منظومه بهمن نامه». *پژوهشنامه ادب حماسی*. دوره ۱۱. شماره ۱۹. صص ۱۱-۲۶.
- هاکس، جیمز. (۱۳۸۳). *قاموس کتاب مقدس*. تهران: اساطیر.
- هفت لشکر. (۱۳۷۷). تصحیح مهران افشاری - مهدی مدائنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۷). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- De Blios, François. (1998). "Epics", *Iranica*, Edited by Ehsan Yarshater, New York, vol 8. pp 474- 477
- Török, László. (1997). *The Kingdom of Kush: Handbook of the Napatan-Meroitic Civilization*, Leiden: Brill.
- Gazerani, Saghi. (2019). „Kush-e Pildandān, the Anti-Hero: Polemics of Power in Late Antique Iran,“, *Iranian Studies*, Vol 52, Nos 5- 6, pp 859- 901.